



# معلمی در تکه کلاس

صدیقه باقری  
دبیر دین و زندگی منطقه ۶ تهران  
تصویر گر: میثم موسوی

اما ما معلمان چقدر آن را سرلوحهٔ روش تدریس و نیز رفتار و رابطهٔ خود با دانش‌آموزان قرار داده‌ایم؟ در مواردی از قبیل تلاش در انجام تکالیف اجباری و به‌ویژه اختیاری به‌صورت کامل و حتی بالاتر از سطح انتظار ما، کسب نمرات عالی در امتحانات شفاهی و کتبی، رعایت تمام موارد انضباطی یا آوردن عذرهای موجه یا حتی ناموجه آن‌ها در تأخیر در ورود به کلاس، کوتاهی در انجام تکالیف،

از پیشوایان ما بسیار نقل شده است که: «هرچه برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بپسند و هرچه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران هم نپسند.»  
همهٔ ما این سخن آموزنده و زیبارا بارها شنیده‌ایم؛ سخنی که برای تمام زمان‌هاست و تأثیری بس ژرف در تربیت صحیح و مطلوب مترجمان (اعم از فرزند و دانش‌آموز) دارد.



**زمانی که ما دانش آموز بودیم، چه رفتارها و روش‌هایی را در تدریس معلم پذیرفته و مطلوب می‌دانستیم و کدام رفتارها و روش‌هایشان برایمان نامطلوب بود؟ آیا اکنون خود ما نیز آن‌گونه رفتار می‌کنیم؟ کدام یک از اعتراضات و اشکالات ما به‌جا و کدام یک نابخا و نادرست بود**

کسب نمره پایین در آزمون‌های کتبی و شفاهی، دانش آموز از ما انتظار چه رفتارهایی را دارد؟ هنگام مواجهه با چنین بی‌نظمی‌ها و بی‌انضباطی‌هایی، بهترین و مؤثرترین شیوه برخورد چیست؟

آیا در این‌گونه موارد خودمان را جای دانش‌آموزان گذاشته‌ایم تا بدانیم چه واکنشی مفید و پسندیده است و چه برخوردی ناپسند و نامطلوب؟ چه واکنشی، بی‌آنکه آسیب روانی و عاطفی به دانش‌آموز وارد کند، در جبران کوتاهی و تقویت انگیزه و پیشرفت او تأثیر مطلوب دارد؟ چقدر هنگام تعیین تکلیف خود را جای

دانش‌آموزان گذاشته‌ایم؟ بیاییم یک بار از زاویه‌ای دیگر به این سخن بنگریم و آن را در عمل نشان دهیم.

زمانی که ما دانش‌آموز بودیم، چه رفتارها و روش‌هایی را در تدریس معلم پذیرفته و مطلوب می‌دانستیم و کدام رفتارها و روش‌هایشان برایمان نامطلوب بود؟ آیا اکنون خود ما نیز آن‌گونه رفتار می‌کنیم؟ کدام یک از اعتراضات و اشکالات ما بجا و به حق و کدام یک نابخا و نادرست بود؟ آیا هنوز به‌خاطرمان مانده است که انتظار داشتیم معلم با ما چگونه برخورد کند؟ چه اشکالاتی در روش تدریس معلم یا آزمون‌های شفاهی و کتبی درس داشتیم؟ البته با تأملی عمیق و دقیق در خاطرات گذشته می‌توانیم به این پرسش‌ها پاسخ دهیم.

برای کسب آگاهی از خواسته‌ها و انتظارات دانش‌آموزان و نیز بازنگری در نحوه مدیریت و اداره کلاس (از لحاظ آموزشی و تربیتی) و شناخت نقاط قوت و ضعف خود، نظرسنجی یا نیازسنجی از دانش‌آموزان در ابتدای سال تحصیلی یا پایان نیم‌سال اول روش مناسبی است. قطعاً بسیاری از همکاران و معلمان محترم بارها از این شیوه‌ها بهره برده‌اند.

اما در بسیاری موارد مشاهده شده است، دانش‌آموزان در نظرسنجی پاسخ کامل و واضحی به سؤالات نمی‌دهند. دلایل این موضوع می‌تواند چنین باشد:

ترس دانش‌آموز از اینکه معلم صاحب خط را بشناسد و در رفتار بعدی خود با دانش‌آموز، نارضایتی خود را از نقد و نظر او نشان دهد. یا بی‌حوصله و بی‌انگیزه بودن برای دادن پاسخ روشن و کامل و مطلوب به سؤالات، با این توجیه که: «معلم هیچ‌وقت این نظرات را نمی‌خواند. پس خودمان را بی‌هوده خسته نکنیم» یا «بقیه بچه‌ها، حرف‌هایی را که لازم است می‌گویند». بنابراین، به نوشتن جملاتی کوتاه در مورد سطح کیفی کلاس یا رضایت خود از آن بسنده می‌کنند.

پس چاره و راه‌حل چیست؟ با تأسی به آیات قرآن و احادیث که بر خلاقیت و تجربه و استفاده از روش‌های متعدد و متنوع تأکید می‌کنند، بهتر است راهی دیگر را نیز بیازماییم و تجربه کنیم. راه نو و پیشنهادی ما، جابه‌جایی معلم و شاگرد است. آن‌ها معلم کلاس می‌شوند و ما دانش‌آموز آن‌ها. به این صورت که می‌توانیم از بین دانش‌آموزان داوطلب معلمی، با نظرخواهی از بقیه، یک یا دو نفر را انتخاب کنیم و بعد از تعیین تاریخ و هماهنگی با این معلمان تازه‌کار، در موعد مقرر، یک زنگ کامل مسئولیت اداره کلاس را به آن‌ها بسپاریم و خود ما هم‌نشین یکی از دانش‌آموزان ته کلاس شویم.

اگر دو نفر را انتخاب کرده‌ایم، می‌توانیم به همکاران جدید اختیار دهیم که یا دو نفری در کل، ۶۰ دقیقه کلاس را به‌طور مشترک و با هم اداره کنند یا هر کدام به تنهایی ۳۰ دقیقه معلم کلاس شود. فایده‌های این روش عبارت‌اند از:

- وقتی دانش‌آموز در موقعیت معلم قرار می‌گیرد، معمولاً انتظاری را که از معلم دارد، در گفتار و رفتار خود نشان می‌دهد.

- وقتی معلم در موقعیت دانش‌آموز در کلاس درس حضور دارد، متوجه می‌شود در چه مواردی و چه وقت کلاس برای دانش‌آموزان کسل‌کننده و ملال‌آور می‌شود.

- پهانه و وسیله‌ای دیگر برای ایجاد یک زنگ بانشاط برای دانش‌آموزان فراهم می‌شود.

- معلم، در مقام دانش‌آموزی که به کار معلم جدید نظاره می‌کند، نقاط قوت و ضعف کار خود



را بهتر درک می‌کند و متوجه می‌شود که کدام قسمت از فعالیت او در کلاس را دانش‌آموزان می‌پسندند و کدام قسمت را نه. احساس مسئولیت دانش‌آموزان و اعتماد به نفس و خودباوری آن‌ها تقویت می‌شود.

- زمینه‌ای برای مقایسه این کلاس‌ها با کلاسی که معلم اداره می‌کند ایجاد می‌شود.  
- فرصتی ایجاد می‌شود تا دانش‌آموزان زحمات و صبوری معلمشان را قدر بدانند؛ به‌ویژه زمانی که دانش‌آموزان مسئله‌ساز، سکان اداره کلاس را به عهده بگیرند. هنگام اعتراض به بی‌انضباطی هم‌کلاسی‌ها، فرصتی مهیا می‌شود تا آن‌ها در عمل بر ناپسندی رفتار خود، وقتی که در جای خود و در مقام دانش‌آموز هستند، و نیز به صبوری و سعه صدر معلمشان واقف شوند.

البته به‌عنوان معلمی که هر سال این روش را در کلاس‌های درس خود اجرا کرده است، اذعان می‌کنم که قطعاً این تجربه خالی از حاشیه نخواهد بود. به این صورت که:

- ممکن است گاهی برخی از معلمان امروز و شاگردان دیروز، از این فرصت سوءاستفاده کنند و برخوردهای نامناسبی با «معلم دیروز و شاگرد امروز» داشته باشند؛ برخی دانش‌آموزان چنین کلاسی را جدی نگیرند؛ با این توجیه که: معلم آن ساعت، شاگردانی مثل خودشان هستند. پس می‌توانند شلوغ کنند. یا با معلم جدید برخورد محترمانه و در شأن معلم نکنند. مثلاً آن‌ها را نه با نام خانوادگی و پیشوند «خانم» یا «آقا»، بلکه با نامشان، صدا کنند. نسبت به اعتراضات و سؤالات معلم واقعی واکنش منفی و ناپسند نشان بدهند. از زیر بار انجام تکالیف محوله توسط این شاگردان معلم شده شانه خالی کنند. برای این معلمان تعیین تکلیف کنند. به کار دیگری غیر از گوش کردن به درس بپردازند، مثلاً کتاب درس دیگری را باز کنند و تکلیف درس دیگر را انجام دهند. دو نفری با هم بازی کنند و... قابل ذکر است، گاهی این دانش‌آموزان معلم، با نرمی و ملایمت افراطی خود، زمینه‌های سوءاستفاده را فراهم می‌کنند، یا

حتی برعکس، با رفتارهای سختگیرانه و خشن، سبب ایجاد فضایی سنگین بر کلاس و به دنبال آن بلند شدن صدای اعتراض دانش‌آموزان می‌شوند. البته در این موارد می‌توان از قبل چاره اندیشید و از بروز چنین مشکلاتی پیشگیری کرد؛ مثلاً این‌گونه که:

از جلسه قبل یا در همان جلسه، ولی قبل از ورود به کلاس، به معلم یا معلمان جدید نکات لازم درباره نحوه مدیریت کلاس و رفتار با دانش‌آموزان را تذکر دهیم و نیز توصیه کنیم کلاس را جدی بگیرند. به دانش‌آموزان دیگر هم متذکر شویم که «قضاوت این معلمان را ما هم می‌پذیریم.»

همچنین بهتر است در اثنای کلاس، گاهی بایستیم، کل کلاس را از نظر بگذرانیم و با مکت روی برخی دانش‌آموزان سوءاستفاده‌کننده، باعث توجه و تغییر رویه آن‌ها شویم؛ هرچند در نهایت مشکلاتی هرچند جزئی و محدود و موقت پیش می‌آید.

در پایان کلاس هم خوب است ابتدا برحسب نحوه کلاس‌داری آن‌ها، با بیان جملاتی مانند: «آفرین! بسیار عالی بود» و «خوب بود» و تشکر، کلاس را تحویل بگیریم. سپس از خلاقیت‌ها و ابتکارات آن‌ها تعریف و نقاط قوت و ضعفشان در تجربه معلمی را یادآوری کنیم. شاید بهتر باشد هر معلمی این تجربه را ولو برای یک بار امتحان کند. گرچه سخت است، ولی ارزش دارد. زیرا در کنار این سختی‌ها، آسانی‌های فراوانی است، چون غنی و کامل‌ترین کتاب زندگی انسان‌ها - قرآن - فرموده است: «فَأَنْ مَعَ الْعَسْرِ يَسِرًا إِنَّ مَعَ الْعَسْرِ يَسِرًا» (انشریح/ آیات ۵ و ۶): همانا پس از سختی آسایشی است. پس از محنت و رنج آرامشی است.

